

گستره میراث علمی امام رضا (ع)

ابعاد ورود امام در تبیین و تفسیر آیات قرآن، به خصوص در روایات تفسیری، چگونه است؟

گستره میراث علمی امام رضا (ع)

روایات تفسیری

ابعاد ورود امام در تبیین و تفسیر آیات قرآن، به خصوص در روایات تفسیری، چگونه است؟ مجموعه پاسخ‌های معصومان (ع) به تشنگان معارف قرآن با هدف تبیین مفاهیم قرآن کریم، بخش گسترده‌ای از میراث حدیثی ما را تشکیل می‌دهد. این میراث حدیثی به تفسیر مأثور یا تفسیر روایی مشهور است. بر این اساس، امام رضا (ع) قرآن را معیار سنجش حق و باطل و صحت و سقم احادیث قرار دادند و گفتار و پاسخ‌ها و مثال‌های خود حضرت نیز همه برگرفته از قرآن است. امام می‌فرمودند: «در قرآن، همه چیز به تفصیل ذکر شده و حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه برای هدایت بشر بدان نیاز است، به تمام و کمال در آن بیان شده است.» در جای دیگر هم خاطرنشان کرده‌اند: «قرآن کلام خداست. از آن فرا مگذرید و هدایت را در غیر قرآن جست‌وجو نکنید که گمراه می‌شوید.»

همچنین، امام ضمن بزرگ شمردن آیات قرآن و اعجاز و نظم آن، قرآن را ریسمان استوار خدا و دست‌آویز مستحکم الهی و راه برگزیده خدا دانسته‌اند که انسان را به بهشت رهنمون می‌کند و از دوزخ نجات می‌دهد. این کتاب با مرور زمان، کهنه و با اختلاف زبان‌ها فاسد نمی‌شود؛ زیرا به زمان خاصی اختصاص ندارد. قرآن برهان و حجت بر هر انسانی است و از پیش روی آن و از پشت سرش، باطل به سویی نمی‌آید.

با این وصف، احادیث به جای مانده از حضرت رضا (ع) بخش بزرگی از این روایات تفسیری را دربر گرفته است. البته توجه به این نکته لازم است که امام این روایات را در موقعیت‌های گوناگونی بیان کرده‌اند. نمونه‌های زیر درخور تأمل است:

۱. بیان معنا و مصداق آیات

امام گاه در پاسخ پرسش افراد، از مفاد يك واژه یا مراد و مصداق آیه‌ای، حدیثی بیان فرموده‌اند؛ لذا روایات نقل شده از امام رضا (ع) منبع مهمی برای فهم واژگان قرآن است. عبدالله بن قیس گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمودند: (بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ) عرض کردم: «آیا خداوند مانند ما دو دست دارد؟» فرمودند: «خیر، اگر چنین بود که از مخلوقات به شمار می‌رفت.»

۲. بیان مفاد آیات

در این دسته از روایات، امام برای فهم بهتر آیه، بیشتر توضیح داده‌اند؛ برای مثال، حضرت در تفسیر بسم الله فرمودند: «معنایش این است که من خود را به داغ و علامتی از علامت‌های خدا داغ می‌زنم و آن داغ عبادت است [تا همه بدانند که من بنده چه کسی هستم]. شخصی پرسید: «سمه در بسم الله چیست؟» فرمودند: «علامت.»

همچنین مردی خدمت حضرت رضا (ع) آمد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ را برایم تفسیر کن.» حضرت فرمودند: «پدرم از جدم روایت می‌کرد که مردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) آمد و عرض کرد: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ را برای من تفسیر کن. علی (ع) فرمود: خداوند متعال بندگان خود را از بعضی نعمت‌های خود آگاه ساخت؛ زیرا مردم قدرت ندارند همه نعمت‌های پروردگار را بشناسند یا دریابند. نعمت‌های خداوند بسیار زیاد است و شمردنی نیست. خداوند متعال در این هنگام فرمود: بگویند سپاس خداوندی را سزااست که بر ما، انواع نعمت‌ها را ارزانی داشت و آن خدا پرورش‌دهنده جهانیان است.»

۳. بیان تأویل

در این بخش، امام به معانی و مصادیقی برای آیات اشاره می‌کنند که استفاده آن معانی از آیه یا انطباق آیه بر آن مصادیق روشن نبوده یا از مصادیقی است که در زمان حضرت هنوز واقع نشده بود. البته ذکر این معانی و مصادیق باطنی، به معنای نفی معنا یا مصداق ظاهری نیست؛ برای نمونه، روایت محمد بن فضیل از حضرت رضا (ع) در تفسیر این آیه شریف أَنْ تُوَدُّوا الْأُمَانَاتِ إِلَيْنَا أَهْلُهَا است. امام فرمودند: «مقصود آل محمد (ع) هستند که هر امامی امامت را بعد از خود به دیگری تفویض می‌کند و به دیگران نمی‌دهد و امامت را از اهلش دریغ نمی‌دارد.»

۴. استدلال و احتجاج به آیات

در این بخش از روایات تفسیری، امام به آیه‌ای از قرآن استدلال کرده‌اند؛ برای مثال، احمد بن محمد گوید که از حضرت رضا (ع) شنیدم می‌فرمودند: چه نیکوست صبر و انتظار فرج. آیا نشیده‌ای که بنده صالح گفت: فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنَظِّرِينَ؟

علم به رموز قرآن

نقش امام رضا (ع) در تبیین حقیقت قرآن و رموز باطنی آن چگونه بود؟

قرآن مقتدای نورانی است و به سبب شدت نورانیت و اشراقش، انسان‌ها توان نظرکردن کامل در آن را ندارند، مگر انسان کامل معصوم؛ آن‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «قرآن با مردم سخن نمی‌گوید و مردم نیز قدرت سخن‌گفتن با آن را ندارند. تنها کسی که بر این کار قدرت دارد و قرآن نیز با او سخن می‌گوید، همان امام معصوم است.»

قرآن اسرار گوناگونی دارد و آن‌ها را فقط برای یاران خاص و رازدارش آشکار می‌کند؛ درمقابل، با مردم فقط درباره بعضی مسائل سودبخش به حال آنان سخن می‌گوید و مردم از باطن وی غافل‌اند و نمی‌دانند که در گنجینه سینه او چیست؛ ولی اصحاب سر می‌دانند که وی حامل اسراری است.

امام رضا (ع) نیز مانند سایر معصومان (ع)، حامل اسرار قرآن هستند و رازهای نهانی آن را می‌دانند. این ویژگی را در حدیث زیر می‌توان به‌نظاره نشست:

در جلسه‌ای، مأمون از حاضران پرسید: «معنای آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا را برایم بازگو کنید.» علما در پاسخ او گفتند: «منظور خداوند همه امت است.» مأمون گفت: «ای ابوالحسن، شما چه می‌گویید؟» حضرت رضا (ع) فرمودند: لا أقول كما قالوا و اما أقول: أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِذَلِكَ الْعَتَرَةَ الطَّاهِرَةَ (سخن آنان را نمی‌پسندم؛ بلکه می‌گویم: مراد خدای بزرگ از این آیه، عترت طاهره است.)

مأمون گفت: «چگونه مراد عترت باشد، بدون درنظرگرفتن امت؟» حضرت رضا (ع) پاسخ دادند: لو أَرَادَ الْأَمَّةَ لَكَانَتْ أَجْمَعَهَا فِي الْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ: فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْتِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ثُمَّ جَعَلَهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: جَاءَتْ عَدْنٌ يَدْخُلُوتُهَا؛ فصارت الوراثة للعتره الطاهرة لا لغيرهم؛ (اگر امت مراد باشد، باید همه آنان به بهشت بروند؛ به‌دلیل فرموده خداوند: «برخی از آنان بر خود ستم می‌کنند و برخی دیگر میانه‌رو و گروه سومی به فرمان خداوند پیشگام‌اند؛ این همان تفضل بزرگ است.» سپس ایشان را در بهشت قرار داد و فرمود: در بهشت‌های جاویدانی که در آن‌ها درخواهند آمد. پس وراثت تنها برای عترت طاهره است، نه غیر.)

سپس علی‌بن‌موسی (ع) فرمودند: هم الذین وصفهم الله في كتابه، فقال: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً وَ هم الذین قال رسول الله (ص): اني مخلف فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي، لن يفترقا حتي يردها علي الحوض؛ أنظروا كيف تخلفوني فيهما. یا أيها الناس، لا تعلموهم فانهم أعلم منكم؛ (ایشان کسانی هستند که خداوند آنان را در کتابش چنین می‌ستاید: «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» رسول خدا (ص) درباره آنان فرمودند: من دو چیز گران‌بها میان شما و امی‌گذارم: کتاب خدا و اهل‌بیتم را. این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض نزد من آیند. پس مراقب باشید که پس از من، چگونه با این دو رفتار خواهید کرد. ای مردم، شما به ایشان علم نیاموزید؛ زیرا اینان از شما داناترند.)

در پایان، امام رضا (ع) خاطرنشان کردند: ان الله العزيز الجبار فضل العترة علي سائر الناس في محكم كتابه؛ (خدای عزیز جبار در کتاب محکمش، عترت را بر مردم برتری داده است.) مأمون گفت: «در کجای کتاب خدا آمده است؟» حضرت رضا (ع) فرمودند: «در این فرموده خدای متعال است: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ.»

اعجاز علمی قرآن

وقتی از اعجاز علمی قرآن سخن گفته می‌شود، تأمل در نمونه‌های آن در تحکیم باور ما مؤثر است. آیا امام رضا (ع) در سخنان خود این نکته را بیان کرده‌اند؟

حسین‌بن‌ خالد، یکی از یاران امام رضا (ع)، درباره معنی این آیه پرسید که خداوند فرموده است: وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ؛ (سوگند به آسمان مشبک.) آن حضرت فرمودند: «این آسمان راه‌هایی به‌سوی زمین دارد.» راوی عرض کرد: «چگونه آسمان راه ارتباطی با زمین دارد و حال آنکه خداوند می‌فرماید: رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؛ (خدا آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید، برافراشت.)» امام رضا (ع) فرمودند: سبحان الله! أليس الله يقول: بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (عجیب است! آیا خداوند نمی‌فرماید: «بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید؟») عرض کردم: «آری.» امام فرمودند: ثم عمد ولكن لاترونها؛ (پس ستون‌هایی هست؛ اما شما نمی‌بینید.)

این آیه با توجه به تفسیر امام از آن، پرده از روی حقیقتی علمی برمی‌دارد و به نیروی جاذبه اشاره می‌کند که همچون ستونی استوار، سراسر کائنات را به هم ربط می‌دهد. در زمان نزول آیات، این نکته بر کسی آشکار نبود؛ زیرا در آن زمان، هیئت بطلمیوس با قدرت فراوان خود، بر محافل علمی جهان و بر افکار مردم حکومت می‌کرد. برطبق اصول آن‌ها، آسمان‌ها به‌صورت گراتی تودرتو، همانند طبقات پیاز، روی هم قرار داشتند و به‌طبع، هیچ‌یک معلق و بی‌ستون نبود؛ بلکه هریک بر دیگری تکیه داشت.

نکته جالب این است که حدود هزار سال پس از نزول این آیات، بشر از نظر دانش و تجربه به جایی رسید که فهمید نظریه افلاک پوست‌پیزی به‌کلی موهوم است و واقعیت این است که هریک از کرات آسمان در مدار و جایگاه خود معلق و ثابت‌اند، بی‌آنکه تکیه‌گاهی داشته باشند. بنابراین، تنها چیزی که اجرام آسمانی را در جای خود ثابت نگه می‌دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت آن‌هاست. درنهایت، همه دریافتند که تعادل جاذبه و دافعه به‌صورت ستونی نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه داشته است.

روایات فقهی

نقش امام‌رضا (ع) در بیان روایات فقهی به چه میزان است؟

از نظر فقهایی بزرگ شیعه، حدیث نقش اساسی در شناخت احکام شرعی دارد و این کاربرد حدیث زمینه شکل‌دهی قواعد فقهی و اصولی و صدور حکم شرعی را فراهم آورده است. بخش چشمگیری از کتب فقهی و حدیثی شیعه به نقل روایات امام‌رضا (ع) اختصاص دارد، به گونه‌ای که می‌توان در بسیاری از ابواب فقه این کتاب‌ها، احادیث حضرت را یافت؛ حتی در بعضی ابواب فقه، ده‌ها حدیث از ایشان وجود دارد.

همچنین فقه‌الرضا که به فقه رضوی نیز مشهور است، از متون درخور اعتماد برای برخی محدثان و فقهایی شیعه در سده‌های اخیر است، در حدی که این اندیشمندان بزرگ شیعه به عنوان یک اثر مستند، به روایات حضرت اعتماد کرده‌اند.

در مجموعه روایی ما، احادیثی به اخبار «مَنْ بَلَغَ» شهرت یافته است. مضمون این روایات این است که هرگاه خبر واحدی از استحباب عملی سخن گفت، بی‌آنکه استناد آن را به معصوم (ع) بررسی کند، هرکس به آن عمل کند تا به ثواب مذکور آن نائل شود، آن ثواب را درک می‌کند، هرچند آن سخن از معصوم (ع) صادر نشده باشد. ظاهر این روایات از فضل خداوند به بندگان خبر می‌دهد؛ بدین صورت که خداوند هر عملی را که مؤمن به اعتماد فضل او و بدون در نظر گرفتن حکم واقعی عمل انجام دهد، بی‌ثواب نخواهد گذارد. این بیان تردید بندگان را در اعتبار و صحت اخبار رسیده به آن‌ها برطرف می‌کند و ایشان را به فضل الهی امیدوار می‌سازد. باین حال، بنده خدا با قلبی مطمئن و امیدوار به فضل و رحمت خداوند می‌تواند عمل را به‌جا آورد.

شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه، احادیث فقهی ائمه (ع) را گرد آورده و ضمن آن، بابی به احادیث «مَنْ بَلَغَ» با این عنوان اختصاص داده است: اسْتِحْبَابُ الْإِثْبَانِ بِكُلِّ عَمَلٍ مَشْرُوعٍ رُويَ لَهُ ثَوَابٌ عَنْهُمْ؛ (مستحب بودن انجام دادن هر عمل مشروعی که ثوابی برای آن، از معصومان روایت شده است). دومین حدیث این باب روایتی از امام‌رضا (ع) است. در این روایت، حمدان بن سلیمان گوید: از حضرت رضا (ع) پرسیدم: «معنی این آیه چیست؟ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا» (پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌گرداند.) امام در پاسخ فرمودند: «هرکس را خدا بخواهد با ایمانی که در دنیا داشته است، به بهشت آخرت راهنمایی کند، او را برای تسلیم بودن در برابر خدا و اطمینان داشتن به خدا و آرامش و سکون از ثواب‌هایی که خدا وعده داده، آماده و راضی می‌کند تا آرامش خاطر یابد.»

حکمت احکام

در این باره توضیح دهید که در میان روایات نقل شده از امام‌رضا (ع)، آیا امام به حکمت احکام نیز اشاره کرده‌اند؟ احکام شرعی تابع سلسله‌ای از مصالح و مفاسد واقعی است و امر و نهی الهی نیز مبتنی بر مصالح و مفاسد است که برای رساندن خیر به انسان لحاظ می‌شود. استاد شهید مطهری در این باره نوشته است:

«احکام شرعی تابع و منبعت از یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است؛ یعنی هر امر شرعی به علت یک مصلحت لازم‌الاستیفاست و هر نهی شرعی ناشی از یک مفسده واجب‌الاحتراز است. خداوند متعال برای اینکه بشر را به یک سلسله مصالح واقعی که سعادت او در آن است برساند، یک سلسله امور را واجب یا مستحب کرده است و برای اینکه بشر از یک سلسله مفاسد دور بماند، او را از پاره‌ای کارها منع کرده است. اگر آن مصالح و مفاسد نمی‌بود، نه امری بود و نه نهی‌ای و آن مصالح و مفاسد، و به تعبیر دیگر، آن حکمت‌ها به نحوی است که اگر عقل انسان به آن‌ها آگاه گردد، همان حکم را می‌کند که شرع کرده است...؛ چون احکام شرعی تابع و دائرمدار حکمت‌ها و مصلحت‌ها و مفسده‌هاست، خواه آن مصالح و مفاسد مربوط به جسم باشد یا به جان، مربوط به فرد باشد یا به اجتماع، مربوط به حیات فانی باشد یا به حیات باقی. پس هر جا که آن حکمت‌ها وجود دارد، حکم شرعی مناسب هم وجود دارد و هر جا که آن حکمت‌ها وجود ندارد، حکم شرعی هم وجود ندارد.» در روایات، همواره حکمت حکم با نوع حکم هماهنگ و متناسب است؛ به این صورت که گاهی در وضع حکم، بعد اجتماعی آن بیش از ابعاد دیگر لحاظ شده و علت حکم در این راستا بیان شده است. اگر بعد روحی یا طبیعی یا بهداشتی حکم برتری داشته باشد، همین جنبه به عنوان علت وضع حکم بیان شده است و بالاخره، همه علی که ذکر شد، به مقتضای چیزی است که طبیعت حکم بدان اشاره دارد؛ برای مثال، به حکمت وجوب روزه در حدیث امام‌رضا (ع) بنگرید: «علت روزه گرفتن، فهمیدن ناراحتی گرسنگی و تشنگی است به آنکه بنده در سختی و ناملایمت افتد و رنج و ناراحتی آن را تحمل کند تا نزد خداوند اجر داشته و صبر و پایداری‌اش را به حساب خداوند گذارد و نیز این دلیلی باشد برای او از سختی‌های عالم آخرت؛ علاوه بر اینکه روزه باعث درهم کوبیدن شهوات است برای او و پنددهنده است او را در دنیا و دلیل و علامت است برای آخرت. و دانسته می‌شود بدان، مقدار سختی و شدت آن نسبت به دنیا و نیز درک شدت رنج فقر و تهی‌دستان در دنیا و آخرت.» امام در سخن خود بر این نکته تأکید می‌کنند که وقتی شخص روزه‌دار سختی و شدت گرسنگی و فقر را در دنیا بچشد و حس کند و نیز سختی احوال آخرت را درک کند، از روزه پند خواهد گرفت و خود را برای سختی آن روز مهیا خواهد ساخت.

همچنین امام‌رضا (ع) در بیان سبب حرمت زنا می‌فرمایند: «و زنا برای فساد است که در آن است، حرام شده؛ از قبیل کشتن نفوس، از میان رفتن نسب‌ها، ترک تربیت کودکان، تباهی موارث و مفاسد دیگر...». امام در این سخن، انگیزه‌های اجتماعی حکم تحریم زنا را بیان فرموده‌اند؛ زیرا در تشریع این حکم، بعد اجتماعی آن بیش از ابعاد دیگر مدنظر بوده است.

امام‌رضا (ع) سبب حرمت ربا را از جنبه اجتماعی آن این گونه گوشزد کرده‌اند: «علت تحریم ربا، از میان رفتن نیکی و احسان، تباهی اموال، برانگیخته شدن حرص سودجویی در مردم، ترک قرض دادن، اهمال واجبات و رهاکردن کارهای نیک است.»

از این رو، علت و مصلحت وضع احکام مهم به گونه‌ای هماهنگ با روح جاوید رسالت اسلامی است. این احکام برای تأمین خیر و سعادت انسانی وضع شده که معصومان (ع) با روشی دلپذیر و سودبخش آن را بیان کرده‌اند.

فهم حدیث

حدیث چه جایگاهی در زندگی امام‌رضا (ع) داشته است؟ آیا شاخصی برای فهم و شناخت حدیث نیز بیان شده است؟ به دو دلیل، حدیث برای ما حجت است: اول، استناد به معصوم؛ دوم، وحیانی بودن محتوای آن. از سوی دیگر، قرآن به مثابه قانون اساسی اسلام، کلیات را بیان کرده و تبیین تفصیل و جزئیات را به روایات واگذار کرده است؛ از این رو، پس از قرآن، روایات مهم‌ترین منبع شناخت دین به‌شمار می‌آیند. مسلمانان هم به‌رغم وجود برخی فراز و نشیب‌ها، به تحمل و ثبت و تدوین احادیث توجه کردند و مجموعه‌های حدیثی فراهم آوردند که شامل هزاران روایت در تمام موضوعات مورد نیاز دین‌داران است. متون حدیثی ما سرشار از سخنان امام‌رضا (ع) در موضوعات مختلف است. در این خصوص، شیخ صدوق با تدوین کتاب عیون أخبار الرضا (ع)، ارزشمندترین گنجینه حدیثی امام را جمع‌آوری کرد و با دسته‌بندی جذاب، پیش روی مشتاقان نهاد. فرای از جایگاه والای امام در بیان و بسط معارف ناب الهی در قالب احادیث نورانی، تلاش ایشان برای ارائه شیوه شناخت روایات صحیح نیز مخفی نمانده است. این موضوع در علم حدیث از اهمیت خاصی برخوردار است.

احمد بن میثمی می‌گوید: روزی، جماعتی از اصحاب حضرت رضا (ع) گرد آن جناب بودند و درباره دو حدیث معارض که از رسول خدا (ص) درباره موضوع واحدی رسیده بود، بحث و گفت‌وگو می‌کردند. محل نزاع را از آن حضرت پرسیدند. امام فرمودند: «خداوند عزوجل چیزی را حرام کرده و چیزی را حلال و اموری را نیز واجب کرده است. اگر روایاتی دیدید که در این جهت است: حلال کردن آنچه خداوند حرام فرموده یا حرام کردن آنچه خداوند حلال فرموده یا رد کردن واجبی که در کتاب خدا حکمش مذکور است و دلیلش در سنت کاملاً روشن است و ناسخی هم ندارد، به چنین روایاتی که مخالف مقطوع است، نمی‌توان عمل کرد و تمسک به آن جایز نیست؛ زیرا رسول خدا (ص)، این طور نبود که العیاذ بالله حلال خدا را حرام یا حرام خدا را حلال کند یا فرائض و احکام الهی را تغییر دهد. ایشان در تمام مواقع، کاملاً تابع وحی و تسلیم فرمان خدا و رساننده از سوی خدا بودند و این حقیقت خود کلام پروردگار است که به پیامبر (ص) می‌فرماید: به مردم بگو: *إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحِي إِلَيَّ*؛ (پیروی نمی‌کنم و عملی انجام نمی‌دهم، مگر همان که به من وحی می‌شود). بنابراین، رسول خدا (ص) تابع فرمان خدا بودند و از جانب خداوند، احکام و آنچه خدا به آن امر کرده بود، تبلیغ می‌فرمودند.»

راوی گوید: به امام عرض کردم: «گاهی از شما خاندان درباره موضوعی، حکمی از رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند که در کتاب خدا نیست و فقط در سنت است؛ سپس حدیثی خلاف آن نیز از شما رسیده است. در این مواقع، تکلیف چیست؟» امام فرمودند: «چنین است. بسا می‌شود که رسول خدا (ص) از چیزهایی نهی فرموده‌اند که نهی تحریمی است و عمل به آن جایز نیست و مانند نهی خداست. گاهی هم به کارهایی امر فرموده‌اند که آن امر واجب و لازم است، نظیر دستورهای حق تعالی. درحقیقت، امر آن حضرت مطابق امر و فرمان الهی بوده و با امر خدا موافق است؛ پس اگر به نهی‌ای تحریمی برخوردید که از رسول خدا (ص) صادر شده و سپس خلاف آن آمده است، عمل به روایت خلاف جایز نیست. همین‌طور است در آنچه بدان امر فرموده است؛ زیرا ما اذن نمی‌دهیم به آنچه رسول خدا (ص) اجازه نداده‌اند و امر نمی‌کنیم به خلاف آنچه رسول خدا (ص) امر فرموده‌اند؛ مگر به سبب ترس از خطری که ناگزیر در پی دارد، یعنی در مواقع وجوب تقیه. اما درخصوص اینکه حلال کنیم آنچه رسول خدا (ص) حرام فرموده یا حرام کنیم آنچه رسول خدا (ص) حلال دانسته‌اند، هرگز چنین چیزی نخواهد بود؛ زیرا ما پیرو رسول اکرم (ص) و تسلیم اوامر و نواهی ایشان هستیم؛ همچنان که ایشان پیرو و تسلیم فرامین پروردگار عزوجل و اوامر او بود. خداوند عزوجل می‌فرماید: *مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا*؛ (هرچه پیامبر برای شما آورد، بپذیرید و از هرچه شما را برحذر داشت، باز ایستید.)

بدانید که گاه، پیامبر (ص) از چیزهایی نهی فرموده‌اند که نهی حرام نیست؛ بلکه نهی به سبب کراهت آن است، نه تحریم. یعنی مقصود آن حضرت اظهار ناخوشایندی است، نه حرمت. گاه، به کارهایی امر فرموده‌اند که امر وجوبی و لازم‌الاجرا نیست؛ بلکه از سر به‌تر بودن و رجحان داشتن است. آنگاه مردم را در عمل کردن یا نکردن آزاد گذاشته‌اند؛ چه شخص مکلف از انجام دادن عمل معذور باشد و چه نباشد. پس گاه از رسول خدا (ص) نهی تنزیهی (مکروهی) یا امر ارشادی (مستحبی) رسیده است که عمل به آن حرام نیست یا ترک آن واجب نیست و پیغمبر (ص) در فعل و ترک آن رخصت فرموده‌اند.

هرگاه از جانب ما به شما دو خبر رسیده باشد: یکی امر به چیزی کرده و دیگری نهی از آن دو چیز و هر دو را یک نفر در کتابش آورده و هیچ‌یک را انکار نکرده است، اگر هر دو خبر به اتفاق ناقلان صحیح و معروف باشد، در این صورت، واجب است که به یکی از آن‌ها یا به هر دو عمل کنید. در هر جا که تکلیف واضح نبود، از بابت تسلیم بودن در برابر فرمایش پیامبر (ص) و رد کردن علم آن به ایشان و به ما، رخصت دارید که به هر کدام که بخواهید تمسک کنید؛ زیرا کسی که تسلیم بودن را از روی عناد و انکار پیامبر (ص) ترک کند، به خداوند عظیم مشرک خواهد بود.

پس هر خبری که از اخبار بر شما روایت شود و معارض داشته باشد، باید [قبل از هر چیز] هر دو را بر کتاب خدا عرضه بدارید: آن خبری که با حلال یا حرام کتاب خدا موافق است، به کار بندید و بدان عمل کنید و چنانچه در کتاب خدا نیافتید، به سنت پیغمبر (ص) عرضه کنید: پس آنچه حکمش در سنت رسول‌الله (ص) موجود بود، برای مثال، از آن نهی کرده بودند به نهی تحریمی یا بدان امر وجوبی یا الزامی کرده بودند، خبری را به کار بندید که موافق سنت باشد و مطابق آن عمل کنید و آنچه در سنت، به صورت نهی کراهتی بود و خبری مخالف آن وارد شده بود، پس این رخصتی است در آنچه رسول خدا (ص) از آن نهی

کرده بوده و آن را ناخوشایند دانسته، نه حرام و ممنوع. در اینجا است که به هر دو خبر می‌توان تمسک کرد و اختیار با خود شخص است؛ زیرا هر دو از پیغمبر خداست [و ما باید تسلیم ایشان باشیم و از ایشان پیروی کنیم و هر جا که ندانستیم و حکم مشتبه بود به ایشان بازگردیم].

در صورتی که هیچ‌یک از این حالت‌ها نبود و تطبیق دشوار بود، علم آن را به ما باز گردانید که ما بدان اولی‌تریم و از پیش خود و رأی خود چیزی نگویید. بر شما باد به دقت و خودداری و توقف در مشتبهات. منتظر فهم و در جست‌وجو و بحث درباره آن باشید تا توضیح و بیان آن از جانب ما بیاید و مطلب روشن شود.»

میراث کلامی

در عصر حضرت رضا (ع) مسائل کلامی بسیار رونق داشت. در خصوص میراث امام رضا (ع) در دانش کلام توضیح دهید. دانش کلام درباره اعتقادات دینی به شیوه عقلی‌نقلی بحث می‌کند و عقاید دینی را تبیین و اثبات می‌کند؛ همچنین، ضمن پاسخ‌گویی به شبهات و اعتراضات مخالفان، از این عقاید دفاع می‌کند. به علاوه، کلام علمی است که با احتجاج و دفع شبهات، اثبات عقاید دینی را به نیکوترین روش میسر می‌سازد. در دوران حیات امام رضا (ع)، جهان اسلام دستخوش مسائل و دیدگاه‌های کلامی بود و امام با راهنمایی هدایت‌جویان از طریق آشکارکردن مسیر و اجبار معاندان به ارائه برهان، به پاسداری از اصول دین اصرار داشتند؛ حتی برخی شاگردان خویش را در این بخش تربیت کردند تا عقاید و باورها به‌ویژه در حوزه توحید و امامت را تبیین و از آن پاسداری کنند.

در عصر امام، مباحث مربوط به توحید خدا در میان فرقه‌های مذهبی بسیار مطرح بود که فراگیری آن مباحث در پرسش‌های مردم از حضرت نمایان است. فردی از امام رضا (ع) درباره توحید و به‌خصوص، جسم‌بودن خدا پرسید و حضرت در پاسخ، به سه جریان درباره توحید اشاره کردند و فرمودند: *إِنَّ لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةَ مَذَاهِبَ: مَذْهَبُ إِبْنِ تَابِتٍ وَ مَذْهَبُ التَّقِيِّ وَ مَذْهَبُ إِبْنِ تَابِتٍ بَلَا تَشْبِيهِ فَمَذْهَبُ الْإِبْنِ تَابِتٍ بَتَشْبِيهِ لَا يَجُوزُ وَ مَذْهَبُ التَّقِيِّ لَا يَجُوزُ وَ الطَّرِيقُ فِي الْمَذْهَبِ الثَّلَاثِ إِبْنِ تَابِتٍ بَلَا تَشْبِيهِ؛* (مردم را در توحید سه مذهب است: یکی، مذهب اثبات با تشبیه و دیگری، مذهب نفی و سوم، مذهب اثبات بدون تشبیه؛ پس مذهب اثبات با تشبیه روا نباشد و مذهب نفی نیز جایز نیست و طریق درست در مذهب، طریق سوم باشد که اثبات است بدون تشبیه.)

همچنین امام، زمانی که با حدیث تحریف‌شده‌ای درباره نزول خداوند به آسمان دنیا روبه‌رو شدند، برای اصلاح باور مردم به توحید، از تحریف آن حدیث و حذف عبارت «نزول فرشتگان» از متن روایت خبر دادند. ابراهیم بن محمود می‌گوید که به حضرت رضا (ع) عرض کردم: «نظر شما درباره حدیثی که مردم از حضرت رسول (ص) نقل می‌کنند چیست؟ با این مضمون که پیامبر (ص) فرموده‌اند: *إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةً إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا؛* (خداوند تبارک و تعالی هر شب جمعه به آسمان دنیا پایین می‌آید).»

امام رضا (ع) در پاسخ فرمودند: «خداوند لعنت کند کسانی را که کلمات را از محل خود جابه‌جا و تحریف می‌کنند. به خدا قسم، رسول خدا چنین سخنی نگفته‌اند؛ بلکه فرموده‌اند: *إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثَّلَاثِ الْأَخِيرِ وَ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ...*؛ (خداوند تعالی در ثلث آخر هر شب و هر شب جمعه از اول شب، فرشته‌ای به آسمان دنیا می‌فرستد و آن فرشته به فرمان خداوند ندا می‌کند: آیا هیچ درخواست‌کننده‌ای هست تا خواسته‌اش را برآورم؟ آیا هیچ توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا هیچ استغفارکننده‌ای هست تا او را بیامرزم؟ ای که طالب خیر هستی، به این سو بیا، ای که به دنبال شر هستی، دست نگه‌دار. این فرشته تا طلوع فجر این ندا را ادامه می‌دهد و چون فجر طلوع کند، به محل خود در ملکوت آسمان باز می‌گردد.)»